



چون تیر

آنسوی پیرده های خاطره

مهدی سیف





مهدی سیف ۱۳۵۷

مجموعه داستان آنسوی پنجره های خاطره ، انتشارات شهر ما، ۱۳۹۰

ISBN 978-964-2700-62-2

ص ۱۰۱ فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

۸۰۰ / ۸۶۳

نام کتاب: آنسوی پنجره های خاطره

نویسنده: مهدی سیف

چاپ: اول ۱۳۹۱

ناشر: انتشارات شهر ما

چاپ: فردوسی

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال



تأواند: انتشارات شهر ما، چهار راه شهر داری، پاساژ نصر

تلفکس، ۰۸۵۲۳۲۳۶۳۴۹

شاپک: ۲ - ۶۲ - ۲۷۰۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸





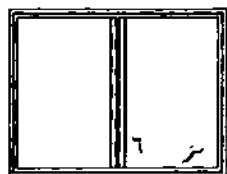
فهرست

عنوان داستان.....	صفحه.....
سخن نخست.....	۵.....
پنجره اتاق و استاد گنج کار.....	۷.....
پنجره مغازه در چرخه فروش.....	۱۲.....
پنجره های مدرسه و بیماران.....	۲۰.....
پنجره ی کلاس.....	۲۹.....
پنجره ی اتاقک بالای راه پله.....	۳۴.....
پنجره نانوائی.....	۴۳.....
پنجره آسایشگاه سربازی.....	۴۹.....
پنجره برجک نگهبانی.....	۵۸.....
پنجره سنگر بتنی.....	۶۷.....
پنجره ی مغازه.....	۷۶.....
پنجره ی تاکسی.....	۸۰.....
پنجره ی اداره.....	۸۴.....
پنجره ی آپارتمان.....	۸۷.....
پنجره خانه همسایه.....	۹۲.....
پنجره خیاطی.....	۹۷.....





میلیون ها سیب یکی پس از دیگری در برابر میلیون ها نفر بر زمین افتادند اما آن سیب پیش چشمان کسی بر زمین افتاد که نامش در تاریخ ماندگار و ابدی شد. نبوتن تنها کسی بود که در حادثه های پیش رویش به دنبال ماهیت و علت آنها می گشت و تا پیدا کردن علت ها از پای نمی نشست زیرا غرق در روزمرگی روزگار خویش نشده و اوقات خود را در تجملات و ظواهر امور سپری نکرده و از دنیایی که دیگران برای خود ساخته بودند کمی فاصله گرفته بود.



گاهی در پیاده رو، هنگام گذشتن از خیابان و یا در جمعی از دوستان و اقوام احساس می کنیم که خطی از سوی چشمان کسی به سمت ما کشیده می شود و حرکات و رفتارمان را زیر نظر گرفته است. به جز کسانی که به دلیل کنجکاوی و فضولی در امور دیگران به اطرافشان سرک می کشند و رفتار دیگران را با اهداف مختلفی از جمله تمسخر و غیبت و غیره زیر نظر گرفته و دنبال می کنند، افراد دیگری در جامعه وجود دارند که جایگاهی همچون نیوتن و مشغله فکری آنها، پیدا کردن علل و عوامل حوادث جامعه ای است که در آن زندگی می کنند.

عزیزانی که مطالب و داستانهای کوتاه این کتاب را مطالعه می کنند شاید در جایگاه خود نیوتنی باشند که با دقت و ریزینی در رویدادهای این داستانها دلیلی برای افتادن سیب های زندگی انسانهای اجتماع خویش بیابند.

حقیقت با واقعیت متفاوت است. واقعیت آن است که هست و حقیقت آن است که باید باشد. سقراط